

توسعه انسانی و فرهنگی در کشورهای اسلامی؛ مطالعه شاخص نرخ سواد و مصرف اینترنت در کشورهای اسلامی

عباس صدیقی 1 * سجاد مرادی 2

چکیده

این مقاله به بررسی وضعیت توسعه انسانی و فرهنگی کشورهای اسلامی با تأکید بر دو شاخص نرخ سواد در بین بزرگسالان و ضریب نفوذ اینترنت می‌پردازد. به این ترتیب، از میان متغیرهای گوناگونی که شاخص توسعه انسانی و فرهنگی بر مبنای آنها محاسبه می‌شوند، این دو شاخص مورد تأکید قرار گرفته‌اند. پرسش اصلی این مقاله عبارت است از اینکه وضعیت توسعه انسانی و توسعه فرهنگی با تأکید بر دو نرخ سواد و ضریب نفوذ اینترنت در کشورهای اسلامی چگونه است؟ به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق، از دو روش مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌های موجود استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کشورهای اسلامی در دهه‌های اخیر توانسته‌اند نرخ شاخص توسعه انسانی و نرخ سواد خود را بهبود بخشند؛ هرچند اختلاف زیادی بین کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای اسلامی واقع در آفریقا در این زمینه وجود دارد. دلیل اصلی این امر وضعیت مناسب کشورهای حوزه خلیج فارس در متغیرهای اقتصادی مانند درآمد سرانه ناخالص داخلی است که این متغیر توانسته است بر ضریب نفوذ اینترنت در این کشورها نیز بیافزاید. همچنین در مجموع، بسیاری از کشورهای اسلامی فاصله بسیار زیادی با استانداردهای جهانی در حوزه توسعه انسانی و ضریب نفوذ اینترنت دارند.

واژگان کلیدی: توسعه فرهنگی، توسعه انسانی، نرخ سواد، ضریب نفوذ اینترنت، کشورهای اسلامی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی - سال ششم - شماره بیست و دوم - بهار 96 - 305-329

تاریخ دریافت مقاله: 95/4/15 تاریخ پذیرش مقاله: 95/6/13

1. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید رجایی، نویسنده مسئول (ab_sadri@yahoo.com)
2. دانشجوی دکتری ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی (s.moradi66@gmail.com)

مقدمه

مفهوم توسعه به عنوان مفهومی کلیدی، محمل نظریه‌پردازی‌های گوناگونی پس از جنگ جهانی دوم بوده است. پس از پایان جنگ جهانی دوم، بسیاری از کشورهای جهان سوم متوجه شکاف عمیق بین خود و کشورهای غربی شدند که در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی نمایان بود. نخستین نظریه‌پردازی‌ها در این زمینه، بر شکاف اقتصادی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تأکید می‌کردند و نخستین نظریه‌های توسعه، بر مبنای توسعه اقتصادی متناسب با الگوهای غربی قرار داشتند که از مهم‌ترین این الگوها، الگوی نوسازی دانیل لرنر¹ بود (مولانا، 1387). با گذشت زمان و در پی اجرای الگوهای غربی در کشورهای جهان سوم، به تدریج نقایص و ضعف‌های این نظریه‌ها مشخص و عدم کارایی آنها در کشورهای جهان سوم به اثبات رسید. مهم‌ترین دلایل شکست این الگوها، تأکید صرف بر توسعه اقتصادی، عدم توجه به توسعه فرهنگی، بالا به پایین بودن اجرای الگوی توسعه و عدم توجه به فرهنگ و نیازهای جامعه هدف بود (سرواس، 1384). از این رو در درون این کشورها مخالفت‌هایی با الگوی مسلط توسعه آغاز شد و درون‌زا بودن مفهوم توسعه، لزوم مشارکت همه اقشار جامعه در توسعه و تأکید بر چندبعدی بودن این مفهوم، از مهم‌ترین ویژگی‌های مفهوم توسعه در نظر گرفته شدند. لذا در کشورهای مختلف، الگوی مسلط غربی که بر پیمودن همان مسیر کشورهای صنعتی جهت رسیدن به توسعه تأکید می‌کرد، مورد چالش قرار گرفت و الگوهای بومی متناسب با نیاز و توانایی کشورها در دستور کار قرار گرفت. از این رو، مفاهیمی مانند مشارکت اجتماعی، توسعه درون‌زا و توسعه فرهنگی به کلیدواژه‌های مهم نظریه‌پردازی توسعه پس از دهه 1970 بدل شدند (مرادی و افراسیابی، 1392).

بنابراین، تأکید بر توسعه فرهنگی و انسانی به عنوان جنبه‌ای جداناپذیر از توسعه، مورد تأکید نظریه‌پردازان توسعه قرار گرفت و این مفهوم نیز به عنوان مفهومی عام در پیوند با

1. Daniel Lerner

مسئله مشارکت قرار گرفت و مشارکت فرهنگی به عنوان یکی از پیش زمینه‌های لازم توسعه فرهنگی در نظر گرفته شد. از نظر این رویکرد، توسعه یک فرهنگ مستلزم مشارکت اعضای آن فرهنگ در امر توسعه و جزیی جدایی‌ناپذیر از آن خواهد بود. این رویکرد آشکارا در تضاد با رویکرهای پیشین توسعه بود که از سویی دارای نگاهی بالا به پایین بود و از سوی دیگر، توسعه را امری تک‌بعدی در نظر می‌گرفت.

چند بعدی بودن مفهوم توسعه نیازمند به کارگیری و استفاده از شاخص‌هایی است که علاوه بر جنبه‌های توسعه اقتصادی مانند مصرف کالاها و خدمات و افزایش درآمد سرانه ملی، به سایر جنبه‌های زندگی انسان نیز توجه کند و امکان پرورش استعدادها و توانایی‌های انسان‌ها در همه ابعاد را فراهم سازد. بسیاری از شاخص‌های توسعه انسانی مانند افزایش تولید ملی و افزایش نرخ سواد، به عنوان پیش زمینه‌ای برای نیل به ابعاد دیگر توسعه مانند توسعه اقتصادی و فرهنگی عمل می‌کنند برای نمونه، افزایش نرخ سواد می‌تواند به عنوان مبنایی برای افزایش سرانه مطالعه، افزایش مصرف کالاهای فرهنگی و افزایش سرانه استفاده از اینترنت عمل کند. همچنین در بعد توسعه اقتصادی، افزایش نرخ سواد می‌تواند به بهبود بهره‌وری نیروی انسانی به عنوان عامل اصلی توسعه کمک کند. بدین ترتیب حضور و مشارکت تمامی شهروندان در فرایند توسعه نیازمند زمینه‌هایی است که نرخ سواد یکی از این زمینه‌ها به شمار می‌رود. به همین دلیل در این مطالعه، در بعد توسعه انسانی به مطالعه نرخ سواد در کشورهای اسلامی و مقایسه آن با کشورهای توسعه یافته پرداخته می‌شود. همچنین با توجه به اینکه عموماً کشورهای اسلامی جزء کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود، نرخ سواد در کشورهای اسلامی با سایر کشورهای در حال توسعه نیز مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

در حالی که کشورهای توسعه یافته با توجه به اهمیت و گسترش استفاده از رسانه‌ها از مفهوم نرخ سواد (به معنای خواندن و نوشتن) به مفهوم سواد اطلاعاتی در حال حرکت‌اند، بسیاری از کشورهای اسلامی در هر دو زمینه دارای اختلاف‌های بسیاری با این کشورها هستند. افزایش نرخ سواد در کشورهای توسعه یافته از دهه‌های گذشته در دستور کار قرار گرفته و امروزه این کشورها عموماً به نرخ سواد 100 درصد یا ارقام نزدیک به آن دست یافته‌اند (برای نمونه، نک به یونسکو، 2011). در حالی که با در نظر گرفتن اهمیت رسانه‌ها در عصر جهانی شدن (گیدنز، 1388) مفهوم سواد اطلاعاتی واجد اهمیت بسیاری شده است، بسیاری از کشورهای در حال توسعه (که کشورهای اسلامی نیز عموماً جزء این

کشورها هستند) حتی دارای نرخ سواد (مهارت خواندن و نوشتن) نسبتاً مناسب نمی‌باشند. هرچند در عصر کنونی به‌علت ارتباطات تعاملی و همزمان، مرزهای سیاسی و جغرافیایی در حال محو شدن است و رسانه‌های نوین مقدمات بسیاری را در اختیار فرهنگ‌ها قرار داده تا بتوانند مرزهای خود را گسترش دهند (عاملی، 1380) اما بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از الزامات اولیه توسعه انسانی و فرهنگی برخوردار نیستند. بنابراین در این مقاله، با تأکید بر شاخص نرخ سواد در کشورهای اسلامی، به این پرسش اساسی پاسخ می‌دهیم که: وضعیت توسعه انسانی و توسعه فرهنگی با تأکید بر دو نرخ سواد و ضریب نفوذ اینترنت در کشورهای اسلامی چگونه است؟ همچنین این مقاله به پرسش‌های فرعی دیگری نیز پاسخ خواهد داد، از جمله: توسعه نرخ سواد در کشورهای اسلامی در دهه‌های گذشته چگونه بوده است؟ آیا اختلاف زیادی میان نرخ سواد در کشورهای اسلامی و میانگین جهانی وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها از طریق مقایسه و تحلیل داده‌های موجود انجام خواهد گرفت. همچنین تلاش می‌شود برخی شاخص‌های توسعه فرهنگی کشورهای اسلامی نیز مورد مطالعه قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

در این بخش به مرور برخی تحقیقات انجام شده در زمینه توسعه انسانی و توسعه فرهنگی پرداخته خواهد شد. به دلیل محدود بودن پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه توسعه فرهنگی و انسانی در کشورهای اسلامی، به مرور برخی پژوهش‌ها در مورد ایران و سایر کشورها نیز خواهیم پرداخت.

«توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران» (بابایی فرد، 1389). در این مقاله، با استفاده از روش تحلیل ثانویه داده‌ها، رابطه بین توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران مورد مطالعه قرار گرفته است. داده‌های این پژوهش عموماً از پیمایش ملی رفتارهای فرهنگی ایرانیان در سال 1378 و پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال‌های 1379 و 1382 اخذ شده و مورد تحلیل قرار گرفته است. دانش، آگاهی و اطلاعات گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اخذ شده از مطالعه و استفاده از رسانه‌ها به‌عنوان عناصر توسعه فرهنگی و مواردی مانند تحقق عدالت، میزان روحیه مشارکت‌جویی در گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی، آزادی، آسایش و رفاه در جامعه، امنیت و ... به‌عنوان سنج‌های توسعه اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه

فرهنگی متغیری تأثیرگذار بر تحقق توسعه اجتماعی است. همچنین یافته‌های آن نشان‌دهنده وجود موانع متعددی مانند فقدان روحیه فردگرایی، نبود شرایط تکثر فکری و فرهنگی، آسیب‌های هویتی و فرهنگی و ... بر سر راه توسعه فرهنگی در ایران است. «سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استان‌های ایران» (زیاری، 1379). در این مقاله، برای سنجش میزان توسعه فرهنگی در استان‌های ایران از 23 شاخص کمی استفاده شده است. فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از اینکه میان استان‌های کشور از نظر درجه توسعه فرهنگی، تفاوت وجود دارد. نتایج پژوهش انجام‌شده نیز فرضیه اصلی تحقیق را اثبات می‌کند؛ به طوری که استان تهران به لحاظ وجود شاخص‌های توسعه فرهنگی دارای فاصله قابل توجهی با سایر استان‌های کشور است و از این نظر، توسعه فرهنگی در سطح کشور به صورت ناهمگن اتفاق افتاده است. همان‌گونه که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، عدم وجود فرصت‌های برابر در برخورداری از منابع، بهره‌گیری از الگوی توسعه «مرکز-پیرامون» و برنامه‌ریزی تمرکزگرا در کشور از عوامل مهم توسعه فرهنگی نامتوازن در بین استان‌های کشور است.

«دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی - فرهنگی» (کتابی و دیگران، 1383). این پژوهش به سه مسئله اساسی می‌پردازد که پرسش سوم آن عبارت است از اینکه رابطه بین دین و سرمایه اجتماعی در ایران چیست؟ از این رو از طریق مطالعات اسنادی و پیمایشی تلاش شده تا به پرسش فوق پاسخ داده شود. رویکرد اصلی این پژوهش حول این فرض اساسی قرار دارد که از یک سو دین از طریق ابعاد گوناگون اعتقادی، مناسکی، پیامدی و شناختی به فعلیت سرمایه اجتماعی و فرهنگی منجر می‌شود و از سویی دیگر، سرمایه اجتماعی و فرهنگی از طریق ایجاد شبکه‌هایی مبتنی بر اعتماد در میان کنشگران اجتماعی زمینه‌های لازم برای توسعه فرهنگی و اجتماعی را فراهم می‌سازد. نتایج این پژوهش نیز مؤید فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر تأثیرگذاری دین در سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی - فرهنگی است.

«بررسی شاخص‌های توسعه انسانی در کشورهای اسلامی» (خاکپور و باوان‌پور، 1389). در این مقاله با استفاده از تحلیل داده‌های موجود، به شناخت وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی در کشورهای اسلامی، مقایسه این کشورها با یکدیگر و با سایر کشورهای جهان پرداخته شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که کشورهای اسلامی از نظر شاخص‌های توسعه انسانی تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند و از نظر درجه توسعه منابع

انسانی به مناطق مختلفی تقسیم‌بندی می‌شوند که به ترتیب عبارتند از: غرب آسیا، جنوب و جنوب شرق آسیا و آفریقا. همچنین نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که به‌طور کلی شاخص‌های توسعه انسانی در کشورهای اسلامی نسبت به دیگر کشورهای جهان در سطح پایین‌تری قرار دارد. همان‌گونه که یکی از فرضیه‌های این مطالعه نشان می‌دهد، همبستگی میان سطح سواد و شاخص‌های توسعه انسانی در کشورها در حدود 0/98 است. این همبستگی در کشورهای اسلامی نیز در حد قوی 0/848 و نسبتاً قوی 0/619 است که نشان‌دهنده تأثیر سواد بر توسعه انسانی در کشورهای اسلامی است.

«تحلیلی بر مقایسه گزیده شاخص‌های مهم توسعه انسانی ایران و کشورهای همجوار» (نظری، 1378). این مطالعه با استفاده از تحلیل داده‌های موجود به مطالعه و مقایسه شاخص‌های توسعه انسانی در ایران و کشورهای همسایه آن پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که به‌طور کلی شاخص‌های توسعه انسانی در خاورمیانه نسبت به سایر کشورهای جهان در سطح پایین‌تری قرار دارد. در بین کشورهای مورد مطالعه نیز، کشورها در برخی از شاخص‌های دارای نسبت‌های بالاتری هستند و در برخی نسبت‌ها نیز وضعیت چندان مناسبی ندارند. برای نمونه در زمان گردآوری اطلاعات این مطالعه، ایران از نظر درآمد سرانه ملی در رتبه نخست قرار داشت و کشورهای آذربایجان و ترکمنستان در شاخص‌های بهره‌مندی از خدمات عمومی و توسعه آموزش عالی دارای وضعیت مناسب‌تری بودند. همچنین نتیجه مطالعه شاخص‌های انسانی نشان‌دهنده این رتبه‌ها برای کشورهای مورد مطالعه در سطح جهان است: ترکیه 68، آذربایجان 71، ترکمنستان 80، ایران 86، عراق 100، پاکستان 132 و افغانستان 171.

«توسعه انسانی در کشورهای اسلامی» (یاسوری، 1384). این مقاله با استفاده از تحلیل داده‌های موجود نشان می‌دهد که به‌طور کلی کشورهای اسلامی در زمینه توسعه انسانی در گروه‌های پایین و متوسط قرار دارند. در این میان، کشورهایی که در رده متوسط قرار دارند عموماً به دلیل شاخص‌هایی مانند درآمد سرانه ملی نسبتاً بالا هستند. به این ترتیب، سرانه تولید ناخالص داخلی در کشورهای اسلامی بسیار پایین است و به جز کشورهای بحرین، قطر، عربستان، کویت و امارات متحده عربی که به دلیل برخورداری از ذخایر عظیم نفت و گاز دارای درآمد سرانه بین 10 تا 20 هزار دلار هستند، بسیاری از کشورهای اسلامی درآمدی نزدیک به 1000 دلار دارند. همچنین نتایج مطالعه نشان می‌دهد که در این کشور درصد بودجه اختصاص یافته به شاخص‌های سوادآموزی و بهداشت بسیار کمتر

از هزینه‌های نظامی است. نتایج این مطالعه در زمینه سوادآموزی نیز نشان می‌دهد که در زمان انجام این مطالعه میزان باسوادی در کشورهای اسلامی از میانگین جهانی و میانگین کشورهای در حال توسعه کمتر است.

«گزارش توسعه انسانی، توسعه انسانی از سال 1960 تا 1990». نتایج بررسی شاخص‌های توسعه در میان کشورهای در حال توسعه نشان‌دهنده رشد چشمگیر این کشورها در بسیاری از شاخص‌های توسعه انسانی است. برخی از شاخص‌های ارائه‌شده در این گزارش عبارتند از: شاخص امید به زندگی که از 46 سال در سال 1960 به 62 سال در سال 1987 رسیده است. در زمینه آموزش و پرورش نیز میزان سواد بزرگسالان از 43 درصد در سال 1970 به 60 درصد در سال 1985 رسیده است که برای مردان از 53 درصد به 71 درصد و برای زنان از 33 درصد به 50 درصد افزایش یافته است. ستانده آموزش ابتدایی کشورهای در حال توسعه در سال 1985 در مقایسه با سال 1950 حدود 6 برابر شده است و ستانده آموزش متوسطه نیز در این سال‌ها 18 برابر شده است.

هرچند بسیاری از این شاخص‌ها نشان‌دهنده رشد نسبتاً مناسب کشورهای در حال توسعه (از جمله کشورهای اسلامی) است، اما این گزارش بر مواردی تأکید می‌کند که باید در سیاست‌گذاری‌های بعدی مورد توجه واقع شوند. برای نمونه، توسعه بسیاری از این شاخص‌ها با توسعه دستیابی به امکانات اقتصادی برای همگان همراه نبوده است. همچنین، هرچند آمارها از بهبود وضعیت شاخص‌ها خبر می‌دهند اما این نمره میانگین است و برای نمونه در حالی که امید به زندگی در 13 کشور در حال توسعه به بالای 70 سال رسیده اما در 30 کشور دیگر همچنان از 50 سال کمتر است. همچنین در کشورهای در حال توسعه هنوز حدود 900 میلیون بزرگسال قادر به خواندن و نوشتن نیستند و یک و نیم میلیارد فاقد دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی اولیه هستند و بیش از 1 میلیارد نفر هنوز در فقر مطلق به سر می‌برند.

روش پژوهش

در این پژوهش از دو روش برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مورد نیاز استفاده شده است. از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به منظور بررسی تحقیقات پیشین و مطالعات نظری استفاده و از تحلیل داده‌های موجود به منظور جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مورد نیاز برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش استفاده شده است. داده‌های مورد نظر برای پاسخ‌گویی

به پرسش‌های تحقیق از مهم‌ترین مراکز ارائه‌دهنده آمار و ارقام توسعه انسانی و فرهنگی کشورهای جهان جمع‌آوری شده است.

مفاهیم نظری

توسعه: جامعه‌شناسان توسعه معمولاً مقوله توسعه را در برابر مفهوم رشد قرار می‌دهند. مفهوم رشد به پیشرفت و ترقی جامعه در ابعاد عینی، مادی و اقتصادی اشاره دارد اما مفهوم توسعه در بردارنده پیشرفت در همه ابعاد و به صورتی متوازن است. در این میان، بسیاری از نظریه‌ها یک جنبه از توسعه را برجسته کرده و به آن پرداخته‌اند. آنها با توجه به هژمونی توسعه اقتصادی در نظریه‌پردازی‌های توسعه، تأکید بیشتر بر توسعه اقتصادی بوده است. در این میان، بسیاری نیز بر فرهنگ به عنوان پیش شرط اصلی هر گونه توسعه تأکید کرده‌اند. برای نمونه میسرا، نظریه‌پرداز هندی، در تعریف توسعه بر ابعاد فرهنگی تأکید می‌کند و از نظر او، توسعه دستیابی فزاینده انسان به ارزش‌های فرهنگی خود است.

توسعه فرهنگی: اندیشه توسعه فرهنگی به عنوان موضوع سیاست ملی، به‌ویژه در چارچوب نظام سازمان ملل، از حدود سال 1950 قوت گرفته و رواج یافت. توسعه فرهنگی، فرایندی است که طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها، قابلیت‌ها و باورها و شخصیت ویژه‌ای را در آنها بوجود می‌آورد که حاصل این باورها و قابلیت‌ها، رفتارها و کنش خاصی مناسب توسعه است. به عبارتی، توسعه فرهنگی، فرایندی کیفی و ارزشی است که برای ارزیابی آن از نشانگرهای کمی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی برای دستیابی به اهداف توسعه در قالب کالاها و خدمات استفاده می‌شود و در این بین آنچه مهم است، برنامه‌ریزی در مورد ماهیت و محتوای فعالیت‌ها و خدمات فرهنگی است که به‌طور کلی از طریق ابزارهای فرهنگی حاصل می‌شود. توسعه فرهنگی شامل دو بعد کمی و کیفی است که بعد کمی توسعه فرهنگی شامل افزایش شمارگان کتاب، تأسیس کتابخانه‌ها، افزایش تیراژ روزنامه‌ها و نشریات، تأسیس موزه‌ها و فضاهای فرهنگی-هنری، سینما، تئاتر، تقویت رسانه‌های محلی و بعد کیفی توسعه فرهنگی شامل تقویت هویت‌های فرهنگی و دینی، پاسداری از آداب و رسوم، زبان، ارزش‌ها و میراث فرهنگی غیرمادی است (ایزدی و محمدی، 1391:4).

از سویی دیگر، با توجه به اهمیت اینترنت و استفاده از این رسانه که از قابلیت‌های چندرسانه‌ای (مک کوایل، 1384) برخوردار است، می‌توان استفاده از اینترنت را به‌عنوان

عامل مهمی در توسعه فرهنگی محسوب کرد. از آنجایی که افزایش ضریب نفوذ اینترنت نیازمند سطح بالایی از زیرساخت‌های گوناگون برای دسترسی شهروندان به شبکه جهانی اینترنت است، افزایش این ضریب به معنای توسعه اقتصادی در این زمینه است. همچنین باتوجه به اینکه استفاده از اینترنت نیازمند افزایش سواد و سواد اطلاعاتی در بین شهروندان یک کشور است، افزایش ضریب نفوذ اینترنت در چارچوب مرزهای ملی نشان‌دهنده توسعه انسانی در کشور است.

توسعه انسانی: توسعه اقتصادی تا دهه 1970 به عنوان بعد اصلی توسعه در نظر گرفته می‌شد اما بعدها به دلیل اهمیت نیروی انسانی در نیل به توسعه، مفهوم توسعه انسانی به عنوان ایده اصلی توسعه در مرکز نظریه پردازی‌ها قرار گرفت و شاخص توسعه انسانی از سال 1990 به بعد به عنوان شاخصی جدید از توسعه در نظر گرفته شد (صادقی و دیگران، 4:1386). «ایده اصلی نظریه سرمایه انسانی مبتنی بر این نکته است که سرمایه گذاری در منابع انسانی سبب افزایش توان تولید و بهره‌وری افراد و در نهایت بهبود رشد و توسعه اقتصادی می‌شود» (همان: 4). یکی از دلایل این امر این است که توسعه اقتصادی به معنای خاص آن تمامی نیازهای انسان را برآورده نمی‌سازد و شاخص‌های توسعه اقتصادی مانند درآمد سرانه ملی و رشد ناخالص داخلی، تمام جنبه‌های حیات اجتماعی انسان‌ها را پوشش نمی‌دهد. از این رو، در رویکرد توسعه انسانی «شاخص آموزش که نشانگر پرورش قوای ذهنی است در کنار نمایانگر رفاه اقتصادی قرار گرفت» (همان).

بنابراین، توسعه انسانی بر خلاف توسعه اقتصادی رویکردی کل‌نگر به شمار می‌رود که در کنار متغیرها و شاخص‌های رفاه مادی به پرورش تمام جنبه‌های زندگی انسانی تأکید می‌کند. از این رو، توسعه انسانی رویکردی کل‌نگر است که به پرورش استعدادها و قوای ذهنی در کنار مصرف کالاها و خدمات اشاره دارد.

شاخص‌های توسعه انسانی

با توجه به اینکه توسعه انسانی رویکردی کل‌نگر است و علاوه بر جنبه‌های مادی زندگی انسان به پرورش استعدادها و توانایی‌های او در سایه رفع نیازهای اساسی می‌پردازد، شاخص‌های گوناگونی برای سنجش آن در نظر گرفته شده است. برای نمونه، صادقی و دیگران (1386) شاخص‌های سه‌گانه‌ای برای سنجش توسعه انسانی در نظر گرفته‌اند:

2. تولید ناخالص داخلی
3. نرخ سواد: که به وسیله نرخ سواد بزرگسالان (با وزن دو سوم) و نسبت ترکیبی ثبت نام ناخالص در دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه (با وزن یک سوم) محاسبه می شود (صادقی و دیگران، 4:1386).

هر چند شاخص های مختلف دیگری نیز برای سنجش توسعه انسانی در نظر گرفته شده است، اما نرخ سواد عموماً به عنوان یک شاخص اصلی در تمام بررسی ها مورد نظر قرار می گیرد. برای نمونه، در گزارش برنامه توسعه انسانی سازمان ملل متحد، علاوه بر نرخ سواد، متغیرهای نابرابری جنسیت، ضریب جینی، سرانه در آمد ناخالص ملی، امید به زندگی، نرخ خودکشی، نرخ قتل و نرخ رشد جمعیت نیز برای سنجش توسعه انسانی کشورها مورد بررسی قرار می گیرد. چنانچه مشاهده می شود همچنان متغیرهای اقتصادی به عنوان متغیرهایی مهم در سنجش شاخص توسعه انسانی مورد مطالعه قرار می گیرد. اما چنانچه پیشتر توضیح داده شد، در این پژوهش بر نرخ سواد به عنوان متغیری کلیدی در سنجش توسعه انسانی تأکید می شود.

یافته های پژوهش

یافته های این پژوهش در نتیجه تحلیل داده های به دست آمده از مطالعات گوناگون در زمینه توسعه انسانی کشورهای جهان، کشورهای در حال توسعه و کشورهای اسلامی اخذ شده اند. در این بخش از مطالعه، به تحلیل داده ها در زمینه وضعیت توسعه انسانی و توسعه فرهنگی با تأکید بر دو شاخص نرخ سواد و ضریب نفوذ اینترنت در کشورهای اسلامی می پردازیم. به منظور تحلیل وضعیت کشورهای اسلامی در این زمینه ها، تلاش می شود تا نرخ سواد و ضریب نفوذ اینترنت در کشورهای اسلامی، با کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه غیراسلامی مورد مقایسه قرار گیرد. این امر به تفسیر وضعیت کنونی کشورهای اسلامی در شاخص های نامبرده کمک خواهد کرد.

نرخ توسعه انسانی در کشورهای اسلامی

بر اساس شاخص های توسعه انسانی که به صورت دوره ای توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد اندازه گیری و منتشر می شود، کشورهای اسلامی از نرخ نسبتاً پایین شاخص توسعه انسانی برخوردار هستند. در اندازه گیری این شاخص، متغیرهای نرخ سواد، نابرابری

جنسیت، ضریب جینی، سرانه درآمد ناخالص ملی، امید به زندگی، نرخ خودکشی، نرخ قتل و نرخ رشد جمعیت، شاخص کل توسعه انسانی را تشکیل می‌دهند.

جدول 1. شاخص‌های توسعه انسانی در جهان (2014)

ردیف	رتبه کشورها	نام کشورها	شاخص کل توسعه انسانی
1	1	نروژ	0,944
2	2	استرالیا	0,933
3	3	سوئیس	0,917
4	4	هلند	0,915
5	5	ایالات متحده	0,914
6	6	آلمان	0,911
7	7	نیوزیلند	0,910
8	8	کانادا	0,902
9	9	سنگاپور	0,901
10	10	دانمارک	0,901
11	31	قطر	0,851
12	34	عربستان	0,836
13	40	امارات	0,827
14	44	بحرین	0,815
15	46	کویت	0,814
16	75	ایران	0,749
17	142	بنگلادش	0,558
18	146	پاکستان	0,537
19	154	یمن	0,500
20	166	سودان	0,473
21	169	افغانستان	0,468
22	179	گینه	0,392
23	184	چاد	0,372
24	187	نیجر	0,337

منبع: برنامه توسعه سازمان ملل متحد: گزارش توسعه انسانی 2014؛ توسعه پایدار بشر؛ کاهش آسیب‌ها و افزایش جهش‌ها

چنانچه جدول فوق نشان می‌دهد، تقریباً تمام ده کشور نخست از نظر توسعه انسانی، کشورهای توسعه یافته هستند و هیچ کشور اسلامی جزء سی کشور نخست از نظر شاخص‌های توسعه انسانی قرار ندارد. این در حالی است که سنگاپور به عنوان کشوری در حال توسعه، در سالیان اخیر توانسته است متغیرهای مهم در شاخص توسعه انسانی را بهبود

بخشد و در سال 2014 به عنوان کشور دهم در این رتبه‌بندی جای گیرد.

به‌طور کلی کشورهای در حال توسعه در این جدول را می‌توان به دو دسته متوسط و ضعیف تقسیم کرد که کشورهای متوسط مانند قطر (31)، عربستان (34)، امارات (40)، بحرین (44) و کویت (46) عموماً به دلیل رقم‌های نسبتاً بالا در شاخص‌های اقتصادی سرانه ناخالص داخلی و ضریب جینی توانسته‌اند در این رتبه قرار گیرند. برای نمونه در این گزارش، کشور قطر با سرانه خالص داخلی 119029 دلار با اختلاف بسیار زیادی بالاترین سرانه درآمد ناخالص داخلی در جهان را داراست. همچنین در این گزارش، سرانه درآمد ناخالص داخلی عربستان سعودی 52109، امارات متحده عربی 58086 و کویت 85820 عنوان شده است که ارقام بسیار بالایی به‌شمار می‌روند و حتی از سرانه درآمد ناخالص داخلی بسیاری از کشورهای توسعه یافته نیز بالاتر است. از سویی دیگر، در متغیر نابرابری جنسیتی، کشور قطر با رقم 0/524 در کنار چندین کشور اسلامی و آفریقایی دیگر، جزء بدترین کشورها از منظر نابرابری جنسیتی به‌شمار می‌رود. بنابراین قرارگیری برخی کشورهای اسلامی حوزه خلیج فارس در رتبه‌های میانی توسعه انسانی، تا حدود زیادی تحت تأثیر درآمدهای کلان این کشورها از ذخایر طبیعی‌شان است. این امر تا حدود زیادی برای سایر کشورهای اسلامی که در شاخص توسعه انسانی کل، دارای رتبه‌های نسبتاً مناسبی هستند نیز صدق می‌کند؛ در حالی که در شاخص‌های دیگر این کشورها تفاوت چندانی با سایر کشورهای اسلامی ندارند.

در سوی دیگر، عمده کشورهای اسلامی از نظر شاخص توسعه انسانی، تقریباً جزء پایین‌ترین کشورها در رده‌بندی قرار دارند. در واقع، بیشتر کشورهای اسلامی در رده‌های انتهایی این جدول قرار دارند و عموماً در تمامی متغیرها و همچنین شاخص کل، دارای وضعیت بسیار نامناسبی هستند. درحقیقت به‌جز چند کشور اسلامی حوزه خلیج فارس، ایران و ترکیه، بسیاری از کشورهای اسلامی دیگر در رده‌بندی توسعه انسانی، رتبه‌های 140 به بعد را به خود اختصاص داده‌اند. چنانچه به متغیرهای موجود در این گزارش توجه کنیم، عموماً کشورهایی که از بعد متغیرهای اقتصادی، به‌ویژه سرانه درآمد ناخالص داخلی دارای رتبه‌های مناسبی هستند، در برخی متغیرهای دیگر به ویژه نرخ سواد نیز دارای وضعیت مناسبی هستند.

نرخ سواد در کشورهای اسلامی

در این بخش به نرخ سواد در کشورهای اسلامی به عنوان یکی از مهم ترین متغیرهای شاخص توسعه انسانی خواهیم پرداخت. پیش از آغاز تحلیل ذکر یک نکته ضروری است: نتایج تحقیقات و جستجوهای محققان برای دریافت آمار و اطلاعات مربوط به نرخ سواد در کشورهای مختلف جهان نشان می دهد که اطلاعات و آمارها در این زمینه لزوماً یکسان نیستند. هرچند رتبه بندی کشورها در بیشتر مراکز معتبری که این آمارها را ارائه می دهند مشابه است اما ارقام ارائه شده لزوماً با یکدیگر همخوانی ندارد. به این ترتیب، در این بخش تلاش می شود آمارها و اطلاعات مراکز معتبر ارائه شوند.

با استقلال تدریجی بسیاری از کشورهای جهان پس از جنگ جهانی دوم (که اکنون کشورهای در حال توسعه نامیده می شوند) برنامه های توسعه به منظور کاهش فاصله میان این کشورها و کشورهای توسعه یافته به اجرا درآمد. این برنامه ها دارای ابعاد گوناگونی بودند که در ابتدا عموماً متغیرهای اقتصادی را در بر می گرفت. از دهه 1960 به بعد، افزایش نرخ سواد به عنوان یکی از عوامل اصلی توانمندسازی نیروی انسانی مورد نظر سیاست گذاران توسعه قرار گرفت. در گزارش توسعه انسانی، سازمان ملل متحد از سال 1960 تا 1990، تغییرات در نرخ سواد در کشورهای در حال توسعه مورد بررسی قرار گرفته است. چنانچه جدول 2 نشان می دهد، در سال 1985 که این گزارش ارائه شده است، برخی از کشورهای در حال توسعه با برنامه ریزی های اجرا شده، طی سه دهه توانسته اند نرخ سواد خود را به کشورهای توسعه یافته نزدیک کنند.

همان گونه که جدول شماره 2 نشان می دهد، از 10 کشور نخست دارای نرخ سواد در کشورهای در حال توسعه، 7 کشور جزء کشورهای آمریکای جنوبی و 2 کشور در شرق آسیا قرار دارند و از کشورهای اسلامی، کشور عراق در بین 10 کشور نخست قرار دارد. در این میان می توان کشور عراق را نیز یک استثناء در نظر گرفت، زیرا همان گونه که این گزارش نشان می دهد، این کشور طی سال های 1960 تا 1985، بیشترین نرخ رشد سواد را در بین کشورهای جهان دارا بوده است.

طبق اطلاعات جدول 2، فاصله بسیار زیادی بین کشورهای واقع در انتهای این جدول با کشورهای واقع در بالای جدول از نظر نرخ سواد وجود دارد. در حالی که کشورهای مانند شیلی به نرخ سواد 98 درصد دست یافته اند، کشورهای مانند سومالی (12)،

بورکینافاسو (14)، نیجر (14)، مالی (17) و موریتانی (17) دارای نرخ سواد زیر 20 درصد هستند. از سوی دیگر، در حالی که عمده کشورهای در حال توسعه دارای نرخ سواد مناسب کشورهای آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی هستند، تقریباً تمامی کشورهای که دارای نرخ سواد بسیار پایینی هستند، جزء کشورهای خاورمیانه و آفریقا به شمار می‌روند. در این میان، کشورهای اسلامی نیز عموماً دارای وضعیت نامناسبی نسبت به سایر کشورهای در حال توسعه هستند و به‌طور کلی، بیشتر کشورهای اسلامی دارای نرخ‌های پایین سطح سواد هستند.

جدول 2. نرخ سواد در کشورهای در حال توسعه (1985)

ردیف	رده	کشور	نرخ سواد
1	1	شیلی	98
2	2	ترینیداد و توباگو	96
3	3	آرژانتین	96
4	4	اروگوئه	95
5	5	کاستاریکا	93
6	6	کره جنوبی	93
7	7	تایلند	91
8	8	مکزیک	90
9	9	پاناما	89
10	10	عراق	89
پایین‌ترین نرخ سواد در بین کشورهای در حال توسعه			
11		سومالی	12
12		بورکینافاسو	14
13		نیجر	14
14		مالی	17
15		موریتانی	17
16		سودان	23
17		افغانستان	24
18		یمن	25
19		بوتان	25
20		نپال	26

منبع: گزارش توسعه انسانی، توسعه انسانی از سال 1960 تا 1990؛ یونسکو

همان‌گونه که جدول 3 نیز نشان می‌دهد، در سال‌های اخیر نرخ سواد بزرگسالان در کشورهای اسلامی بهبود یافته است و بسیاری از کشورهای اسلامی از دهه 1990 تا کنون، توانسته‌اند نرخ سواد خود را به حد نسبتاً مطلوبی افزایش دهند. برای نمونه، در سال 2011، متوسط نرخ سواد در تمامی کشورهای جهان حدود 86 درصد است و بسیاری از کشورهای اسلامی توانسته‌اند به نرخی بالاتر از متوسط نرخ جهانی دست یابند. چنانچه گزارش یونسکو در سال 2011 نشان می‌دهد، عمده کشورهای اسلامی حوزه خلیج فارس و برخی کشورهای اسلامی واقع در شرق آسیا مانند اندونزی و مالزی توانسته‌اند به نرخی بالاتر از 90 درصد دست یابند که آمار بسیار مناسبی به‌شمار می‌رود. در این میان، ایران نیز به نرخ سواد 86 درصد، نرخی تقریباً برابر با نرخ جهانی، دست یافته است.

هرچند بسیاری از کشورهای اسلامی در سالیان اخیر توانسته‌اند به نرخی برابر یا بالاتر از نرخ متوسط باسوادی در جهان دست یابند اما بسیاری از کشورهای اسلامی دیگر همچنان دارای نرخ سواد بسیار پایینی نسبت به متوسط جهانی هستند. برای نمونه اتیوپی (49 درصد)، مالی و افغانستان (38 درصد)، سودان جنوبی (32 درصد) و نیجر (19 درصد)، در انتهای این جدول قرار گرفته‌اند و کمتر از 50 درصد از بزرگسالان این کشورها دارای توانایی خواندن و نوشتن هستند. چنانچه گزارش یونسکو نشان می‌دهد، عمده کشورهای واقع در انتهای جدول نرخ سواد، کشورهای آفریقایی مسلمان و غیرمسلمان هستند.

نکته دیگر در این گزارش، وجود شکاف بسیار زیاد بین کشورهای اسلامی در زمینه نرخ سواد است (این شکاف در زمینه شاخص توسعه انسانی که در جدول 1 نیز عنوان شده مشهود است). در حالی که بسیاری از کشورهای اسلامی در دهه‌های اخیر توانسته‌اند به نرخی بالاتر از میانگین جهانی دست یابند، بسیاری از کشورهای اسلامی دیگر، پایین‌ترین نرخ سواد را در جهان دارا هستند. یکی از مهم‌ترین عوامل در این زمینه، بدون تردید متغیرهای اقتصادی است؛ به این معنا که آن دسته از کشورهای اسلامی که به هر دلیل دارای وضعیت مناسبی در متغیرهای اقتصادی (مانند متوسط درآمد سرانه) هستند، از نظر نرخ سواد نیز توانسته‌اند به نرخ رشد مناسبی دست یابند. در سوی دیگر، کشورهای اسلامی قرار دارند که عموماً دارای وضعیت نامناسبی در متغیرهای اقتصادی هستند که عمده این کشورها را کشورهای واقع در قاره آفریقا تشکیل می‌دهند.

جدول 3. نرخ سواد با تفکیک جنسیتی و تفاوت بین مردان و زنان در کشورهای اسلامی (2011)

ردیف	کشورها	نرخ سواد	نرخ سواد مردان	نرخ سواد زنان	تفاوت مردان و زنان
1	چین	86/3%	90/0%	82/7%	7/3%
2	قطر	97/8%	97/9%	97/3%	0/6%
3	اردن	96/7%	98/1%	95/2%	3/0%
4	کویت	96/2%	96/9%	95/0%	1/9%
5	بحرین	95/7%	96/9%	93/5%	3/5%
6	ترکیه	95%	98/4%	91/8%	6/6%
7	عمان	94/8%	96/9%	90/0%	6/9%
8	مالزی	94/6%	96/2%	93/2%	3/0%
9	اندونزی	93/9%	96/3%	91/5%	4/7%
10	لبنان	93/9%	96/0%	91/8%	4/1%
11	امارات متحده عربی	93/8%	93/1%	95/8%	-2/6%
12	لیبی	91%	96/7%	85/6%	11/1%
13	ایران	86/8%	91/2%	82/5%	8/7%
14	پاکستان	56/4%	69/6%	42/7%	26/9%
15	اتیوپی	49/1%	57/2%	41/1%	16/1%
16	مالی	38/7%	48/2%	29/2%	19/0%
17	افغانستان	38/2%	52/0%	24/2%	27/8%
18	سودان جنوبی	31/9%	38/6%	25/3%	13/3%
19	نیجر	19/1%	27/3%	11/0%	16/3%

منبع: یونسکو

اما متغیر مهم دیگر که بر نرخ برابری جنسیتی در شاخص توسعه انسانی نیز اثرگذار است، نرخ باسوادی در میان مردان و زنان، و تفاوت نرخ بی سوادی بین مردان و زنان است. همان گونه که جدول فوق نشان می دهد، نرخ باسوادی مردان بیش از زنان است و متوسط نرخ باسوادی در جهان در بین مردان و زنان نیز این امر را نشان می دهد. به گونه ای که

متوسط نرخ باسوادی در بین مردان (90 درصد) و در بین زنان (حدود 83 درصد) است که نشان‌دهنده اختلاف حدود 7 درصدی بین متوسط باسوادی مردان و زنان است. به‌طور کلی و بر طبق اطلاعات جدول، هرچه نرخ سواد در بین کشورها افزایش می‌یابد، اختلاف میان نرخ سواد بین زنان و مردان کاهش می‌یابد. به‌عبارت دیگر، با افزایش نرخ سواد در بین کشورها، نابرابری جنسیتی در بین مردان و زنان نیز کاهش می‌یابد. برای نمونه، اختلاف نرخ سواد بین مردان و زنان در قطر (0/6 درصد)، اردن (3 درصد)، کویت (1/9 درصد) است؛ در حالی که این نرخ در بین کشورهایی که دارای نرخ پایین سواد هستند، بسیار افزایش می‌یابد. به‌گونه‌ای که اختلاف نرخ سواد بین مردان و زنان در نیجر به (16/3 درصد)، سودان جنوبی (13/3 درصد)، افغانستان (27/8 درصد)، مالی (19 درصد) و ... می‌رسد. تفاوت میان نرخ سواد بین مردان و زنان، بدون شک نشان‌دهنده فرصت‌های نابرابر برای زنان و مردان است؛ که این امر ممکن است به دلایل فرهنگی باشد.

اگر چه میانگین نرخ بی‌سوادی در کشورهای اسلامی از دهه 1980 تاکنون رو به بهبود بوده است، اهمیت این نکته هنگامی بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم میانگین نرخ باسوادی در کشورهای اسلامی حتی از میانگین نرخ باسوادی در کشورهای در حال توسعه نیز کمتر است. با وجود تأکید فراوان دین اسلام بر فراگیری علم و دانش، در بیشتر کشورهای اسلامی نرخ باسوادی بزرگسالان پایین‌تر از میانگین جهانی است. این در حالی است که در بیشتر کشورهای اسلامی، درصد بودجه اختصاص‌یافته به سوادآموزی و تأمین بهداشت بسیار کمتر از هزینه‌های نظامی است (ياسوری، 203:1384). در جدول زیر سطح متوسط باسوادی بزرگسالان در کشورهای اسلامی با کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته مقایسه شده است. البته همان‌گونه که پیشتر توضیح داده شد، چنانچه جدول زیر را با سایر جداول مربوط به نرخ سواد در متوسط جهان، کشورهای در حال توسعه و کشورهای اسلامی مقایسه کنیم، تفاوت میان نرخ‌های ارائه‌شده تا حدودی مشهود است اما مقایسه کشورهای اسلامی با متوسط جهانی و کشورهای در حال توسعه، رتبه‌بندی نسبتاً یکسانی را نشان می‌دهد که مبتنی بر نرخ پایین باسوادی کشورهای اسلامی نسبت به متوسط جهانی و کشورهای در حال توسعه است.

جدول 4. مقایسه سطح باسوادی بزرگسالان در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها (2011)

97/8	درصد متوسط باسوادی	کشورهای توسعه یافته
98/5	باسوادی مردان	
97	باسوادی زنان	
79/2	درصد متوسط باسوادی	کشورهای در حال توسعه
85/3	باسوادی مردان	
73/2	باسوادی زنان	
79/6	درصد متوسط باسوادی	متوسط جهان
85/6	باسوادی مردان	
73/7	باسوادی زنان	
70/2	درصد متوسط باسوادی	کشورهای اسلامی
77/9	باسوادی مردان	
62/5	باسوادی زنان	

Source: OIC Outlook 2010, P.12. به نقل از صدی و همکاران، 1394

ضریب نفوذ اینترنت در کشورهای اسلامی

در این بخش به ضریب نفوذ اینترنت در کشورهای اسلامی به عنوان مقیاسی در سنجش توسعه فرهنگی، در مقایسه با برخی از کشورهای جهان با ضریب نفوذ بالا می پردازیم. در اینجا، کشورها بر حسب تعداد استفاده کنندگان از اینترنت و همچنین نسبت استفاده کنندگان به جمعیت کشور رده بندی شده اند. همان گونه که جدول نشان می دهد، بالاترین میزان استفاده از اینترنت در بین کشورهای پر جمعیت جهان قرار دارد. همچنین این جدول نشان می دهد که کشورهای توسعه یافته و صنعتی، از نظر نسبت استفاده شهروندان به کل جمعیت کشور، دارای بیشترین نرخ نفوذ اینترنت هستند.

در این جدول، ضریب نفوذ اینترنت در برخی کشورهای اسلامی نیز گنجانده شده است. همان گونه که اطلاعات نشان می دهد، کشورهای اسلامی در میزان استفاده از اینترنت را می توان به بخش های مختلفی تقسیم بندی کرد. برخی از کشورهای اسلامی مانند بحرین (12)، امارت متحده عربی (17)، قطر (21) و کویت (33) تنها کشورهای اسلامی هستند که جزء 50 کشور اول در ضریب نفوذ اینترنت در بین شهروندان قرار می گیرند. برخی کشورها مانند عمان (54)، عربستان سعودی (66) و ترکیه (94) نیز جزء صد کشور اول در ضریب نفوذ اینترنت هستند. سایر کشورهای اسلامی در این رده بندی در وضعیت مناسبی قرار ندارند و بسیاری از این کشورها دارای پایین ترین نرخ ضریب نفوذ اینترنت در بین

کشورهای جهان هستند.

همان گونه که جدول 5 نشان می دهد، ضریب نفوذ اینترنت در کشورهای اسلامی دارای همبستگی با متغیر سواد و وضعیت اقتصادی کشورها، به ویژه سرانه درآمد در کشورهاست. به جز ترکیه، تمام کشورهای اسلامی که جزء صد کشور نخست در این رده بندی قرار دارند، جزء کشورهای حوزه خلیج فارس به شمار می روند که به دلیل برخورداری از نرخ سواد نسبتاً مناسب و همچنین وضعیت اقتصادی مناسب، توانسته اند نرخ ضریب نفوذ اینترنت را گسترش دهند. یکی از دلایل اصلی این امر، امکان فراهم ساختن زیرساخت های لازم برای استفاده از اینترنت در این کشورهاست؛ این بدان معنی است که از یک سو، شهروندان یک کشور باید امکانات شخصی لازم (مانند سخت افزارها) برای استفاده از اینترنت را دارا باشند و از سوی دیگر، دولت ها زیرساخت های لازم برای دسترسی شهروندان را فراهم سازند که این امر به نوبه خود مستلزم برخورداری کشور از وضعیت مناسب اقتصادی است.

جدول 5. میزان کاربران اینترنتی به تفکیک کشورها (2015)

کشور	رده جهانی (از نظر تعداد)	رده جهانی (از نظر نسبت استفاده کنندگان به جمعیت کشور)	درصد استفاده کنندگان	تعداد کاربران اینترنت
چین	1	82	52/2%	721/434/547
هند	2	126	34/8%	462/124/989
ایالات متحده	3	15	88/22%	286/942/362
برزیل	4	67	60/1%	120/111/118
ژاپن	5	13	89/8%	115/111/595
روسیه	6	46	71/3%	102/258/256
آلمان	8	16	88%	71/016/244
اندونزی	12	143	20/4%	53/236/719
ترکیه	19	94	46/25%	37/321/199
پاکستان	21	147	17/8%	34/342/40
ایران	25	130	31/4%	25/074/125
عربستان سعودی	36	66	60/50%	16/298/500
الجزایر	54	149	15/2%	6/284/489
سوریه	56	134	26/20%	5/883/822

ادامه جدول 5. میزان کاربران اینترنتی به تفکیک کشورها (2015)

کشور	رده جهانی (از نظر تعداد)	رده جهانی (از نظر نسبت استفاده کنندگان به جمعیت کشور)	درصد استفاده کنندگان	تعداد کاربران اینترنت
یمن	63	143	20/0%	5/067/692
امارات متحده عربی	66	17	88/00%	4/817/095
عمان	94	54	66/45%	2/095/922
کویت	96	33	75/46%	2/033/885
افغانستان	98	183	5/90%	1/835/377
قطر	102	21	85/30%	1/742/205
بحرین	115	12	90/00%	1/153/199
نیجر	147	200	1/70%	287/289
چاد	152	195	2/30%	257/449
غنا	162	202	1/60%	178/816
اریتره	180	207	0/90%	56/103

Source: International Telecommunications Union

آنچه که امروزه بر اهمیت اینترنت افزوده تبدیل دولت الکترونیک به عنوان الزامی برای حکمرانی مناسب و مدرن است. اکنون کشورهای توسعه یافته بسیاری از فعالیت‌های حاکمیتی و خدماتی را بر مبنای استفاده از اینترنت قرار داده‌اند. اینترنت، علاوه بر اینکه امکان بهره‌مندی از مزایای اقتصادی و سیاسی مدرن را برای کشورهای اسلامی فراهم می‌سازد، از نظر فرهنگی نیز می‌تواند مبنایی مناسب برای توسعه فرهنگی کشورهای اسلامی فراهم سازد. این در حالی است که دیگر آمارهای مربوط به تعداد کاربران اینترنتی در کشورهای اسلامی نشان از موقعیت نامناسب کشورهای اسلامی در این زمینه دارد. به‌عنوان نمونه آمارهای مربوط به تعداد کاربران اینترنتی در کشورهای اسلامی در سال 2009 نشان می‌دهد که 1/537/228/557 نفر از جمعیت مسلمان جهان در این سال فقط 209/324/600 نفر به اینترنت دسترسی داشته‌اند. یعنی 13/7 درصد از مجموع جمعیت مسلمان و یا به عبارتی، از هر 7 مسلمان یک نفر به اینترنت دسترسی داشته که نسبت به میانگین جهانی آن در همان سال (به ازای هر 4 نفر) مقدار کمتری را نشان می‌دهد. بر اساس آمارهای ارائه شده در سال 2009 سیرالئون کم‌کاربرترین و مالزی پرکاربرترین کشورهای جهان اسلام به لحاظ نسبت کاربر به کل جمعیت به حساب می‌آیند. آمار و اطلاعات مربوط به پراکندگی زبان کاربران اینترنت نیز نتیجه مشابهی را تایید می‌کند. زبان

عربی به عنوان زبان اول جهان اسلام، رقمی در حدود 2/9 درصد از فضای سایبر را در اختیار خود دارد. این زبان به عنوان پنجمین زبان زنده دنیا، جایگاه هشتم در فضای سایبر را به خود اختصاص داده است (احمدی پور و همکاران، 1389:13).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مطالعه به وضعیت توسعه انسانی و توسعه فرهنگی با تأکید بر دو شاخص نرخ سواد و ضریب نفوذ اینترنت در کشورهای اسلامی پرداخته است. با تکیه بر ادبیات نظری و ادبیات پژوهشی انجام‌شده در این حوزه، با استفاده از روش تحلیل داده‌های موجود در زمینه توسعه فرهنگی و اقتصادی در کشورهای اسلامی و برخی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، به تحلیل وضعیت کشورهای اسلامی در مقایسه با سایر کشورهای جهان پرداخته شد. مهم‌ترین نتایج بدست‌آمده از این پژوهش عبارتند از:

الف) توسعه انسانی

- به‌طور کلی کشورهای اسلامی در دهه‌های اخیر توانسته‌اند پیشرفت‌های به نسبت مناسبی در زمینه بهبود شاخص‌های توسعه انسانی، به‌ویژه در زمینه نرخ سواد کسب کنند. اما هنوز متوسط نرخ سواد کشورهای اسلامی پایین‌تر از بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است.
- در یک دسته‌بندی کلی از وضعیت توسعه انسانی، می‌توان کشورهای اسلامی را به سه دسته تقسیم کرد: الف) کشورهایی که طی سالیان اخیر عموماً با تکیه بر درآمدهای نفتی توانسته‌اند شاخص توسعه انسانی خود را بهبود بخشند؛ این کشورها را عموماً کشورهای حوزه خلیج فارس مانند قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی تشکیل می‌دهند. چنانچه تحلیل داده‌های موجود نشان می‌دهد، بهبود شاخص‌های توسعه انسانی در این کشورها در نتیجه بهبود متغیرهای اقتصادی مانند درآمد سرانه ناخالص داخلی حاصل شده است و این کشورها در برخی شاخص‌ها مانند برابر جنسیتی، وضعیت نامناسبی دارند. ب) کشورهایی که در رده‌بندی جهانی در رده‌های متوسط قرار دارند و در سال‌های اخیر توانسته‌اند شاخص‌های توسعه انسانی خود را بهبود بخشند. کشورهایی مانند ایران، ترکیه و کشورهای اسلامی واقع در شرق آسیا، از جمله این کشورها به‌شمار می‌روند. ج) دسته سوم را بیشتر

کشورهای اسلامی، به ویژه کشورهای آفریقایی تشکیل می‌دهند که فاصله بسیاری با استانداردهای توسعه انسانی دارند. دلیل اصلی این امر، وضعیت نامساعد متغیرهای اقتصادی در این کشورهاست.

- با وجود اینکه در دین اسلام و فرهنگ اسلامی تأکید بسیاری بر مفهوم «امت اسلامی» شده است، اما آنچه در سیاست‌گذاری‌های توسعه انسانی برجسته می‌نماید، جهت‌گیری سیاست‌ها بر مبنای «کشورهای اسلامی» یا تأکید بر آن چیزی است که امروزه دولت - ملت خوانده می‌شود. فاصله بسیار زیاد در متغیرهایی مانند درآمد سرانه و نرخ سواد کشورها گواهی بر این مدعاست.

ب) توسعه فرهنگی

- با توجه به گسترده بودن مفهوم توسعه فرهنگی، در این پژوهش بر ضریب نفوذ اینترنت در بین کشورهای اسلامی تأکید شده است. تأکید بر اهمیت اینترنت، با در نظر گرفتن این نکته است که این ابررسانه جدید، امروزه کارکردی دوگانه پیدا کرده که هم می‌تواند ابزار تهدید و هم ابزاری فرهنگی و تقویت کننده در راستای ترویج اندیشه‌ها و آموزه‌های اسلام باشد (احمدی پور و همکاران، 1389: 13). اما بدون تردید اینترنت به ابزاری غیر قابل چشم‌پوشی برای معرفی و توسعه فرهنگ اسلامی در بین امت اسلامی بدل شده است.

- توسعه اینترنت نیازمند توسعه اقتصادی، بهبود وضعیت اقتصادی خانوارها و همچنین توسعه زیرساخت‌های لازم توسط دولت‌هاست. از این رو، توسعه اینترنت و افزایش ضریب آن در کشورهای اسلامی نیز تابع وضعیت اقتصادی این کشورها بوده است. به همین ترتیب، کشورهای حوزه خلیج فارس مانند امارات متحده عربی، قطر، عمان، کویت و عربستان سعودی در سال‌های اخیر توانسته‌اند با تأمین زیرساخت‌های لازم ضریب نفوذ اینترنت در کشورهای خود را توسعه بخشند. در این میان، همچنان برخی کشورها مانند ایران، ترکیه و کشورهای اسلامی شرق آسیا در رده‌های متوسط جهانی قرار دارند و برخی کشورهای اسلامی خاورمیانه مانند افغانستان، پاکستان و سوریه و عمده کشورهای اسلامی واقع در آفریقا وضعیت چندان مناسبی ندارند و در کنار بسیاری از کشورهای دیگر آفریقایی، دارای پایین‌ترین نرخ نفوذ اینترنت در جهان هستند.

اما وضعیت نامناسب کشورهای اسلامی در شاخص‌های فرهنگی تنها به ضریب نفوذ اینترنت محدود نمی‌شود. کشورهای اسلامی در تولید کالاهای فرهنگی متناسب با فرهنگ اسلامی برای استفاده توسط تمامی کشورهای اسلامی موفقیت چندانی نداشته‌اند و بسیاری از کشورهای اسلامی مصرف‌کننده کالاهای فرهنگی تولیدشده در کشورهای توسعه‌یافته هستند. همچنین می‌توان به صنعت سینما اشاره کرد که امروزه به‌عنوان یک صنعت سرگرم‌کننده مهم شناخته می‌شود و در عین حال واجد نشانه‌های فرهنگی بسیاری است. این در حالی است که بسیاری از کشورهای اسلامی، عموماً فاقد صنعت سینما به معنای مدرن آن هستند. بنا به شرایط موجود و به‌منظور بهبود شرایط توسعه فرهنگی و انسانی در کشورهای اسلامی، پیشنهادهای در ذیل عنوان می‌شود:

- تأکید بر گفتمان «امت اسلامی» جهت کاهش فاصله بین کشورهای اسلامی در شاخص‌های توسعه انسانی و توسعه فرهنگی
- ایجاد زیرساخت‌های لازم توسط کشورهای اسلامی دارای وضعیت مناسب اقتصادی جهت افزایش نرخ سواد در کشورهای اسلامی فقیر
- ایجاد همکاری بین کشورهای اسلامی برای تولید محتوای فرهنگی والا در فضای مجازی
- تأکید سیاست‌گذاری نهادهای بین‌المللی اسلامی بر توسعه نرخ سواد در کشورهای اسلامی که دارای نرخ سواد پایینی هستند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

1. احمدی پور، زهرا، ابوالفضل کاتب و میثم میرزایی (1389). چالش‌های جهان اسلام در عرصه جهانی شدن، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
2. ایزدی، ملیحه و جمال محمدی (1392)، تحلیلی بر سطح توسعه فرهنگی شهر اصفهان با استفاده از روش تحلیل عاملی، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره 16، بهار 1392.
3. بابایی فر، اسدالله (1389). توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران، مجله رفاه اجتماعی، تابستان 1389، شماره 37.
4. خاکپور، براتعلی و علیرضا باوان‌پور (1389). بررسی شاخص توسعه انسانی در کشورهای اسلامی، چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام، فروردین 1389.
5. رحمانی، صفت‌الله (1378). تحلیل وضعیت برخی شاخص‌های توسعه در مناطق مختلف جهان و مقایسه آن با ایران بر اساس گزارش توسعه انسانی 1997، نشریه جهاد، سال 19، شماره 220 و 221، شهریور و مهر 1378.
6. زرقاتی، سیدهادی (1392). سنجش و رتبه‌بندی قدرت ملی کشورها در جهان اسلام، مطالعات جهان اسلام، سال اول، شماره دوم، پاییز 1392.
7. زیاری، کرامت‌الله (1379). سنجش درجه توسعه‌یافتگی در استان‌های ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره 16، پاییز و زمستان 1379.
8. سازمان ملل (2014). برنامه توسعه سازمان ملل متحد: گزارش توسعه انسانی 2014؛ توسعه پایدار بشر؛ کاهش آسیب‌ها و افزایش جهش‌ها.
9. سرواس، جان (1384). دگرگونی در نظریه‌های ارتباطات و توسعه و پیامدهای آن در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ارتباطی، ترجمه علیرضا پاکدهی، فصلنامه رسانه، زمستان 1384، شماره 64.
10. شاه‌آبادی، ابوالفضل و دیگران (1393). تأثیر سرمایه انسانی بر نوآوری کشورهای منتخب سازمان توسعه همکاری اسلامی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره 70، بهار 1393.
11. شفیعی، یوسف (1393). چالش‌های پیش روی هویت اسلامی، پایگاه تحلیلی برهان <http://borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=>
12. صادقی، حسین و دیگران (1386)، توسعه انسانی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره 24، بهار 1386.
13. عاملی، سید سعیدرضا (1380)، تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره 18، پاییز و زمستان 1380.
14. کاربران جهانی اینترنت (2015) وبسایت ITU: <https://www.itu.int/en/ITU-D/Statistics/Documents/facts/ICTFactsFigures.pdf>
15. کاستلز، ایمانوئل (1380). عصر ارتباطات، اقتصاد جامعه و فرهنگ، جلد دوم: قدرت و

- هویت، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
16. کتابی، محمود و دیگران (1383). دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی - فرهنگی، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره 2.
17. کمیسیون ملی آیسکو (1387). بررسی راه‌های گسترش صنایع فرهنگی در جهان اسلام، مصوب چهارمین اجلاس وزرای فرهنگ کشورهای اسلامی، الجزایر (دسامبر)، ترجمه کمیسیون ملی آیسکو در جمهوری اسلامی ایران.
18. گیدنز، آنتونی (1388)، چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلالی‌پور، تهران: طرح نو.
19. مرادی، علیرضا و محمد صادق افراسیابی (1392)، ارتباطات و توسعه (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
20. مک کوایل، دنیس (1384)، درآمدی بر نظریه ارتباط جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
21. مولانا، حمید (1387)، اطلاعات عالمگیر و ارتباطات جهانی، ترجمه حسین برجیان، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
22. نظری، علی اصغر (1378). تحلیلی بر مقایسه گزیده شاخص‌های مهم توسعه انسانی ایران و کشورهای همجوار، آموزش جغرافیا، شماره 50، بهار 1378.
23. یاسوری، مجید (1384). توسعه انسانی در کشورهای اسلامی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، دوره: 20، شماره 3-4.
24. یونسکو (1991). گزارش توسعه انسانی، توسعه انسانی از سال 1960 تا 1990، ترجمه قدرت‌الله معمارزاده.

ب) منابع لاتین

1. Bipan Chandra & Sucheta Mahajan, "Composite Culture in a Multicultural Society", Pearson Longman (2007).
2. Naqvi, Ali Mohammed (1985). Islam and Nationalism, Ahlulbayt School of Thoughts Researches and Publication Institute: 1-62.
3. SESRIC, OIC Outlook 2010, "Education and Scientific Development in OIC Member Countries", <http://www.sesric.org>.